

یادداشت‌های پیرامون

یک مورخ ایرانی و آثار او

(ادریس بدلیسی)

○ دکتر عطاءالله حسینی
عضو هیئت علمی دانشگاه
شهید بهشتی

آواره گمراه و غریب نالان آواه بنده مرصد فیض قدسی، ادریس بن حسام‌الدین بدلیسی بَلْعَه‌الله ما یتمانه و وفقه لما یحبّه و یرضاه را هجرتی از منازل و اوطان دست داده بود و فرقتی از احبّه و اخوان اتفاق افتاده و به عزیمت ادراک مقاصد و آمال و دریافت طواف حریم و حرم خلافت و اقبال آهنگ سفر و شدّ رحال و قطع بیابان متاعب و جبال و بال نموده به هدایت مرشد توفیق و رهنمونی رفیق طریق به ظل خلافت سلطان سلاطین اسلام و مسلمین و به سایه مرحمت و رأفت خداوندگار شاهان روی زمین ظل‌الله الملک‌المجید سلطان بایزید پناه از حوادث زمان آورده بود و در ظل روح پرور آن شجره سدره انتماکمئل شجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء از آلام آیام نافرجام آرام جان خسته از الطاف و نوازش بی‌دریش به حظّ اوفی از شفا ملحوظ شده و به انتظار مرحمت بی‌غایتش بیشتر از ابناء جنس و بیشتر به لطف او فر و اصفی محظوظ گشته و در سلک دعاگویان ثناگستر این خاندان عدل و احسان به تعداد و شماره آمده و در زمره مادحان و داعیان این آستان آسمان ارکان عزّ امتیاز و اعتبار یافت...»^۲

ادریس بدلیسی در سفرهای جنگی سلطان سلیم به ایران و مصر او را همراهی می‌کند و متعاقب فتح چالدران از سوی سلیم به حکومت کردستان منصوب می‌شود.^۵ وی مورد اعتماد کامل سلیم بوده است به طوری که سلطان سلیم برای نصب سنجاق‌بیگی‌های دیار بکر در سال ۹۲۱ قمری کاغذهای سفید مهور به طغرای پادشاهی احکام شریفه معنون به نشان همایون برای او ارسال می‌دارد.^۶ در سال ۹۲۲ پس از الحاق بخش‌های شرقی و جنوبی آناتولی به قلمرو عثمانی و تأسیس سومین قاضی‌عسکری با عنوان «قاضی عسکری عرب و عجم» با مرکزیت دیار بکر، منصب مزبور به بدلیسی واگذار می‌شود.^۷

معاصران ادریس بدلیسی و نویسندگان عثمانی از او به عنوان شخصی فهیم، نکته‌دان، عالم و سرّ یاد کرده‌اند^۸ و علت توفیق و پیشرفت او را از سویی ناشی از تأثیر عمومی فتح چالدران و از سوی دیگر ناشی از بدلیسی بودن و تجربه سیاسی و آگاهی‌اش

آثار مکتوب و غیرمکتوب بازمانده از گذشته تنها پل ارتباطی ما با گذشته و گذشتگان است. برای شناخت گذشته باید پدیده‌های بوجودآورنده آن را «دید»، مورخان «چشم» مردمان‌اند و هر یک از منظری خاص به پدیده‌های «دیدنی» می‌نگرند. چون کیفیت دیدن هرکس متأثر از عوامل گوناگون درونی و برونی و به گونه‌ای خاص است، بدیهی است که آثار بازمانده از مورخان نیز رنگ و بویی «خاص» به خود گرفته باشند. بر پژوهشگران است که برای درک تصویر کاملی از گلستان هستی همه بوی‌ها را بشنوند و دست رد بر سینه هیچ گلی هرچند پرخار نزنند.

ادریس بن حسام‌الدین بدلیسی که سهم چشمگیری در توسعه زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی در آسیای صغیر دارد، از جمله مورخان معاصر صفویه است؛ ایرانی است و پدرش از صوفیان منتسب به عمار یاسر^۱ پدر و جدش از شاگردان و خادمان اجداد شاه اسماعیل بوده‌اند و خود وی با شاه حیدر، پدر اسماعیل رابطه‌ای صمیمی چون «شیر و شکر» داشته است.^۲ اما زمینه‌های اختلاف به گونه‌ای فراهم می‌آید که دعوت شاه اسماعیل را نپذیرفته و به سلطان عثمانی می‌پیوندد. بدلیسی که در دستگاه امرای آق‌قویونلو مدت‌ها منصب انشاء داشته پس از سقوط دولت آق‌قویونلو در سال ۹۰۷ قمری به سلطان بایزید دوم پناهنده می‌شود. ماده تاریخی که در خروج شاه اسماعیل ساخته اگر به توجیه بعدی‌اش توجه نشود علت اساسی دور شدنش از موطن اصلی و نییوستن به شاه اسماعیل را که پایه عقیدتی دارد نمایان می‌سازد.^۳ وی که بحران ناشی از سقوط آق‌قویونلوها و استقرار شاه اسماعیل در مقام سلطنت را «غلغله فتنه‌های آخرالزمان» می‌داند، در بیان علت ترک وطن در مقدمه کتاب قانون شاهنشاهی می‌نویسد:

«اما بعد در هنگامی که غلغله فتنه‌های آخرالزمان به گوش اهل‌الله پیغام فرخنده انجام فقرّوا الی‌الله رسانیده بود و زلزله ویرانی ممالک ایرانی بر روی زمین غنوده‌های دیار راحت را تنبیه نبیه سیروا فی‌الارض وابتغوا من فضل‌الله شنواینده بود این فقیر

ادریس بن حسام‌الدین
بدلیسی
که سهم چشمگیری
در توسعه زبان و ادبیات
فارسی و
فرهنگ ایرانی - اسلامی
در آسیای صغیر دارد،
از جمله مورخان
معاصر صفویه و
ایرانی است

چون گل به دست - مینیاتوری از دوره صفوی

تر صلق. قرن ۱۶ میلادی

عکس از کتاب: ۱۹۱۷, Francis Richard, splendeurs persans



می شود. اوراق مسوده مؤلف چون افتادگی پیدا کرده و پراکنده شده بوده است به دستور سلطان سلیمان به دست پسرش ابوالفضل محمد افندی جمع آوری، تنظیم و تکمیل شده است.^{۱۱} مؤلف در این کتاب ماجرای جنگ چالدران را منعکس ساخته است.^{۱۲}

۱۲ - مناظره عشق با عقل

۱۳ - مجموعه منشآت؛ این مجموعه مکاتبات رسمی دوره آق قویونلیان با پادشاهان هند را شامل می شود و تحت شماره ۹۰۶ در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می شود.

۱۴ - قصائد، منشآت و مراسلات (۱۸۸۸/۳)

۱۵ - قانون شاهنشاهی؛ این کتاب به گفته مؤلف «دستورنامه» شاهان است و «علم پادشاهی»؛

ز روی چون زر و اشک گهربار
به سلک نظم بردم یک کمروار
در آن رشته کشیدم گوهری چند
ز علم پادشاهی جوهری چند
شده نامش چو قانون شهنشاہ
شود دستورنامه نزد هر شاه^{۱۱}
و مشتمل است بر مقدمه و چهار مقصد؛
مقدمه - در بیان معنی مراد از خلافت و حقیقت سلطانی و در شرح احتیاج نظام عالم به خلافت انسانی.

بر اوضاع و احوال به دلیل اشتغال در خدمت دیوانی دستگاه آق قویونلیان دانسته اند.^{۱۰} او به چهار زبان مسلط بوده و با تخلص «ادریس»^{۱۱} به فارسی و ترکی و عربی شعر سروده است.

بدلیسی در سال ۹۲۶ (یا ۹۲۷) همان سالی که سلطان سلیم درگذشت بدروود حیات گفت و در ادریس کوشکو در جوار مسجدی که همسرش، زینب خاتون وقف کرده بود به خاک سپرده شد.^{۱۱} از بدلیسی پسری بازمند به نام ابوالفضل محمد افندی که در دوره سلطان سلیمان شاغل خدمات دولتی گردید؛ در مانیسا مدرسی کرد؛ در طرابلس در مقام قضاوت نشست؛ در آناتولی دفتردار شد و سرانجام به دفتردار ارشدی ارتقا پیدا کرد.^{۱۲} وی همچون پدر «به زیور فضیلت آراسته» بود^{۱۳} و پس از مرگ پدر به تزییل و تکمیل آثار او از جمله هشت بهشت و سلیم نامه پرداخت. با مرگ ابوالفضل محمد افندی که متعاقب غرق شدن دو پسرش در دریا در سال ۹۸۷ قمری اتفاق افتاد اولاد پسری از این خاندان به جای نماند.^{۱۴} جسد ابوالفضل در حیاط «جامع دفتردار استانبول» که مسجد و مدرسه ای است بازمانده از او، دفن شد.^{۱۵}

آثار به جامانده از ادریس بدلیسی به شرح ذیل است:^{۱۶}

۱- رساله بهاریه یا ربیع الابرار؛ این رساله برای سلطان یعقوب آق قویونلو نوشته شده و تحت شماره ۱۸۸۸/۶ در بخش اسعد افندی کتابخانه سلیمانیه نگهداری می شود.

۲- رساله خزائنه؛ این رساله سیاحتنامه ارکان است؛ برای سلطان یعقوب آق قویونلو نوشته شده و تحت شماره ۱۸۸۸/۷ در بخش اسعد افندی کتابخانه سلیمانیه نگهداری می شود.

۳- ترجمه و تفسیر چهل حدیث

۴- ترجمه و نظم چهل حدیث

۵- مناظرات الصوم والعیب

۶- هشت بهشت؛ این کتاب در تاریخ عثمانی است. در سال ۹۰۸ قمری تألیف و پس از اختتام به بایزید دوم اهدا گردیده است و تحت شماره ۶۱۹ در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می شود.

ملک الشعراء بهار که نسخه ای از این کتاب را در کتابخانه آستانه رضویه رؤیت کرده است درباره سبک نگارش آن می نویسد: «این کتاب به شیوه مترسلان خوارزمی و جهانگشای جوینی نوشته شده است. لیکن قدری متکلفانه تر و سست تر و نمونه ناقصی است از تاریخ ابن بی بی...»^{۱۷} کتاب هشت بهشت تاریخ هشت سلطان نخست عثمانی را شامل می شود؛ و از واقعات عصر عثمان تا بایزید دوم را دربرمی گیرد. ابوالفضل محمد افندی ذیلی بر این کتاب نوشته و حوادث آن را تا سال ۹۵۲ قمری ذکر کرده است.^{۱۸}

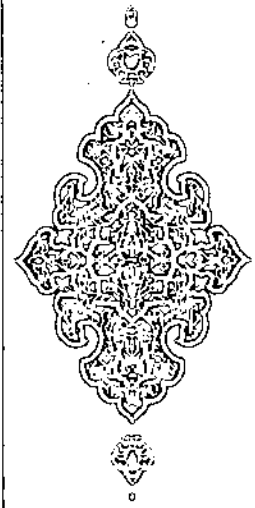
۷- مرآت الجمال (۱۸۸۸/۱)

۸- مرآت العشاق (۱۸۸۸/۴)

۹- حق المبین فی شرح حق الیقین

۱۰- اعیاء الحیوان لترجمان الحیات الحیوان

۱۱- سلیم نامه؛ این کتاب تاریخ عصر سلطان سلیم است و تحت شماره ۱۵۴۰ در روان کوشکوی توپ قابوسرای نگهداری



کتاب هشت بهشت،
تألیف ادریس بدلیسی،
در تاریخ عثمانی است.

در سال ۹۰۸ قمری
تألیف و پس از اختتام
به بایزید دوم
اهدا گردیده است...

این کتاب تاریخ
هشت سلطان نخست

عثمانی را

شامل می شود،

و از واقعات عصر

عثمان تا بایزید دوم را

دربر می گیرد.

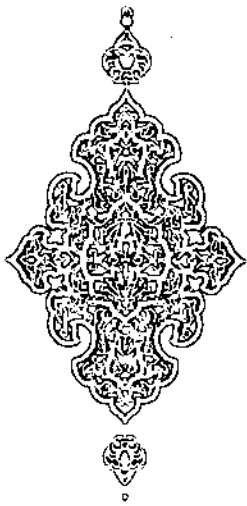
ابوالفضل محمد افندی

ذیلی بر این کتاب

نوشته و حوادث آن را

تا سال ۹۵۲ قمری

ذکر کرده است



ادریس بدلیسی
در سفرهای جنگی
سلطان سلیم به ایران
و مصر او را
همراهی می‌کند و
متعاقب فتح چالدران
از سوی سلیم به
حکومت کردستان
منصوب می‌شود

کتاب سلیم‌نامه
تاریخ عصر سلطان سلیم
است... مؤلف در این
کتاب ماجرای جنگ
چالدران را منعکس
ساخته است

Tarih Bolumu Doktora Tezi), P. ۵-۶.

۵ - نگاه کنید به:

Fanz Babinger, op. cit. P. ۵۱.

۶ - نگاه کنید به:

Ismail Hakki Uzuncarsili, Osmanli

(Ankara: Turk Tarih

Devletinin Saray Teskilat

Kurumu, ۱۹۸۸), P. ۲۸۰.

به نقل از: تاج‌التواریخ، جلد ۲ ص ۳۲۲.

۷ - نگاه کنید به:

Ismail Hakki Uzuncarsili, Osmanli

Devletinin ilmiye Teskilati (Ankara: Turk Tarih

Kurumu, ۱۹۸۸), P. ۱۵۲.

۸ - نگاه کنید به:

Celai - Zade Mustafa, Selim - Name,

Hazirlayanlar: Dr. A. ugur Ve M. Cuhadar

(Istanbul: M. E. B., ۱۹۹۷), P. ۵۵۰.

۹ - نگاه کنید به:

Sukri - i Bitlisi, Selim Name, Mustafa

Argunsah (Ankara, ۱۹۹۷), P. ۲.

به نقل از:

Ismail Hami Danismend, Izahi Osmanli

Tarihi Kronolojisi, C. ۲ (Istanbul, ۱۹۷۱), P. ۲۲.

۱۰ - نگاه کنید به:

Hasan Tavakkoli, op. cit., P. XII

۱۱ - نگاه کنید به:

Franz Babinger, op. cit., P. ۵۲.

ibid, P. ۱۰۶.

و نیز: پیجوی ابراهیم افندی، تاریخ پیجوی، جلد اول. (استانبول:

اندرون کتاب اوی، ۱۹۸۰)، ص ۴۲.

۱۳ - امیر شرف‌خان بدلیسی، پیشین، ص ۴۵۰.

۱۴ - همان، ص ۴۵۱.

۱۵ - نگاه کنید به:

Franz Babinger, op. cit., P. ۱۰۶.

۱۶ - نگاه کنید به:

Hasan Tavakkoli, op. cit., P. xxII

۱۷ - محمدتقی بهار، ملک‌الشعرا؛ سبک‌شناسی، جلد ۳ (تهران:

امیرکبیر، ۲۵۳۵)، ص ۳۰۰.

۱۸ - همان، ص ۲۹۹.

۱۹ - نگاه کنید به:

Franz Babinger, op. cit., p. ۵۴.

۲۰ - نگاه کنید به:

Hasan Tavakkoli, op. cit., P. xIx

۲۱ - نگاه کنید به:

ibid, P. ۹.

۲۲ - نگاه کنید به:

ibid, P. ۱۲۷.

۲۳ - ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵ بخش ۳ (تهران:

انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰)، ص ۱۶۰۴.

مقصد اول - در بیان ظهور لطیفه ربانی جهت استحقاق
خلافت رحمانی در نشأت جامعه انسانی.

مقصد دوم - در شرح اخلاق و ملکات کریمه که لازمه مسند
شاهی است و کیفیت تخلق شاهان به اخلاق الهی جهت انتظام
حال رعیت و سپاهی.

مقصد سوم - در تفصیل اعمال و احوال که شایسته رتبت
سلطانی است و تفصیل افعال و اشغال که لایق پایه سریر سروری
و جهانپناهی است.

مقصد چهارم - در بیان طریق تحصیل سلطنت معنوی و
سعادت بر دوام و کیفیت تکمیل سرافرازی عالم صورت با
سعادت‌مندی عالم باقی به حسن اختتام.

اسب و نوکر که نان و جو ندهی

نرود اسب و نوکرت برود^{۲۳}

آثار زیر نیز از اوست:^{۲۳}

۱۶ - شرح گلشن راز.

۱۷ - رساله الاباء عن مواقع الوباء و جواز الفرار عنه.

۱۸ - شرح فصوص الحکم.

پی نوشت‌ها:

۱ - امیرشرف خان بدلیسی، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان،
بامقدمه و تعلیقات و فهرس محمد عباسی (تهران: انتشارات علمی،
بی‌تا)، ص ۴۸۸؛ انتساب حسام‌الدین به عمار یاسر در تصوف به خطا
در کتاب مورخان عثمانی عمر یسیر (Omer Yesir) نوشته شده
است. نگاه کنید به:

Franz Babinger, Osmanli Tarih Yazarlari ve
P. ۵۱. Eserleri, Ceviren: Dr. Coskun Uçok (Ankara:
Kultur Bakanligi, ۱۹۹۲).

۲ - ادریس بدلیسی در قصیده‌ای که به حضور شاه اسماعیل
می‌فرستد کیفیت رابطه خود و اجدادش را با پدر و اجناد شاه اسماعیل
این گونه شرح می‌دهد:

مرا میدان ابا عن جد غلام خاندان خود

که جدم خادم جدت به راه قدس چاکر شد

ز تلمیذان جد ثانی شاه است والد هم

که علم ظاهر از وی دید و باطن زو منور شد

طریق بندگی خاص من با شاه حیدر هم

ز حسن اختلاط بنده همچون شیر و شکر شد

ز حسن اتفاق است این که در آیات فرقانی

به هرجا نام اسمعیل به نام بنده همبر شد

نگاه کنید به: امیرشرف خان بدلیسی، پیشین، ص ۴۵۰.

۳ - بدلیسی تاریخ خروج شاه اسماعیل را به حساب ایجاد یافته
بود که ایهامی داشت. چون شاه اسماعیل به وسیله کمال‌الدین
طیب شیرازی حقیقت امر را از او جویا شد پاسخ داد که «بلی من
یافته‌ام اما ترکیب عربی است، مذهبنا حق گفته‌ام». نگاه کنید به:
امیرشرف خان بدلیسی، پیشین، ص ۴۴۹.

۴ - نگاه کنید به:

Hasan Tavakkoli, Idris bitlisinin Kanun-i
fakulte sahensahisi'nin Tenkidli Nesri Ve Turkceye
Tercumesi (Istanbul Universite Edebiyat